



## چرا بحران قره‌باغ برای ایران خطرآفرین است؟

کارشناس مسایل اوراسیا در گفتگویی با توجه به شکست گروه مینسک در حل بحران قره باغ گفت که این موضوع باید به شورای امنیت و ساختاری جدید و بی طرف سپرده شود.

به گزارش آران نیوز به نقل از آنلاین؛ زخم کهنه قره باغ بار دیگر سر باز زده و درگیری‌ها بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در منطقه مورد مناقشه قره باغ کوهستانی همچنان از بامداد یکشنبه ادامه دارد؛ به طوری که دو طرف تجهیزات توپخانه‌ای سنگین در منطقه مستقر کرده‌اند. از یک سو باکو از انجام اقدامات تلافی‌جویانه خبر داده و گفته واحدهای پیشرفته ارتش آذربایجان در حال به کار بستن اقدامات تلافی‌جویانه برای سرکوب تحرکات نیروهای ارمنی هستند تا از امنیت جمعیت غیرنظامی که نزدیک خط مقابله نظامی زندگی می‌کنند اطمینان یابند. از سوی دیگر وزارت دفاع ارمنستان هم اعلام کرده که نیروهای این کشور دو بالگرد و سه پهپاد آذربایجانی را در واکنش به حملات باکو به مناطق مسکونی ساقط کرده‌اند. وزارت دفاع ارمنستان هم اعلام «حالت جنگی» کرده و از تمامی نیروهای خود خواسته است تا در آماده باش کامل قرار گیرند. در پی تداوم این بحران کشورهای مختلفی واکنش نشان داده و خواستاری خویشتنداری طرفین شده‌اند. ایران نیز آتش بس فوری، ترک مخاصمات و آغاز گفتگوهای دوجانبه تنها راه حل قطعی این موضوع می‌داند. مشخص نیست که آیا این بار مانند گذشته درگیری‌ها خاتمه می‌یابد یا تنش بین دو کشور وارد مرحله جدیدی خواهد شد؛ در این باره با دکتر بهرام امیر احمدیان کارشناس، اشد مطالعات، اساساً گفتگه کده انه که در ادامه مشه ح آن، ا م، خهاند:

**در ابتدا بفرمایید دلیل تشدید تنش‌ها و تحرکات نظامی در قره باغ چیست؟**

این درگیری‌ها سابقه طولانی مدتی دارد اما در ماه مه سال ۱۹۹۴ میلادی آتش بسی برقرار شد و طی آن گروه مینسک مامور نظارت بر آتش بس شد که اعضای آن نیز آمریکا، روسیه و فرانسه هستند. پس از این نیز شاهد درگیری‌های مقطعی بین دو کشور بوده ایم. در سال ۲۰۱۶ درگیری وسیعی شکل گرفت و مساله همچنان حل نشده باقی ماند. روسای جمهور دو کشور در کشورهای مختلف با میانجی‌گری طرف‌های دیگر روبرو بودند اما هیچ کدام از این اقدامات به نتیجه نرسید. از همین رو می‌توان دریافت که قره باغ برای ارمنستان و جمهوری آذربایجان یک مساله حیثیتی به شمار می‌رود. اگر بنا به صلح باشد سوالی اصلی که پیش می‌آید این است که این صلح در چه قالب و چه فرمولی باید قرار گیرد؟! بحث‌های متعددی مانند جابجایی اراضی و غیره در این زمینه مطرح شد باز هم با نتیجه همراه نبود. اگر بنا به عقب نشینی از اراضی اشغالی باشد، ارمنستان باید در این زمینه به مردم خود پاسخگو باشد. سالهایی که با جنگ، کشتار و هزینه‌های اقتصادی و غیره روبرو بوده و مناطقی هم طی آن تصرف شده است. افکار عمومی در صورت عقب نشینی از حکومت خواهد پرسید طی این سالها به چه دلیلی هزینه کرده است! در آذربایجان نیز وضعیت مشابهی وجود دارد و اگر حکومت این کشور به دنبال بازپس‌گیری مناطق تصرف شده نباشد، افکار عمومی خواهد پرسید که طی این سالها با درآمدهای نفتی و غیره چرا تلاشی برای پس گرفتن مناطق اشغال شده صورت نمی‌گیرد؟ حتی سیاست مذاکره که جمهوری آذربایجان به دنبال آن است، توسط منتقدان مورد نقد قرار می‌گیرد؛ چرا که از سال ۱۹۹۴ این کشور راه حل نظامی را مناسب ندانسته و به دنبال حل موضوع از طریق دیپلماسی بوده است. البته قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز در این خصوص محکم و قاطع نبوده‌اند تا موجبات عقب نشینی ارمنستان را فراهم سازد. خود منطقه قره باغ نیز ادعا می‌کند که ارمنستان نقشی در این بحران ندارد؛ اما یک استان کوچک به نام قره باغ کوهستانی با حدود صد هزار نفر جمعیت در ترکیب دولتی جمهوری آذربایجان نباید دارای تانک، جنگنده و توپخانه بوده باشد. این نشان می‌دهد که بدون کمک ارمنستان قره باغ نمی‌تواند با جمعیت کم خود روی پا بایستد.

### نقش بازیگران مهم مانند روسیه و حمایتش از ارمنستان را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

ارمنستان متحد استراتژیک روسیه محسوب می‌شود. در محدوده پیمان امنیت دسته‌جمعی در کنار دیگر اعضا مانند بلاروس، قزاقستان، قرقیزستان و تاجیکستان، روسیه در این منطقه فعالیت می‌کند. طبق موافقتنامه امنیت دسته‌جمعی، تجاوز به مرز هر یک از اعضا به معنای تجاوز به کل اعضا است. در دکتترین نظامی روسیه نیز آمده است که در صورت تجاوز نظامی به این کشور و متحدانش، مسکو وارد عمل خواهد شد و حتی گفته شده که می‌تواند از سلاح‌های غیرمعارف نیز استفاده کند.

در دوران استعمار بحث «حق تعیین سرنوشت» مطرح بود ولی حالا در قره باغ این مساله مطرح می‌شود که وجاهت قانونی ندارد. اما در داخل یک کشور اگر هر بخشی بخواهد برای خود ادعای تعیین سرنوشت کند، بحث تمامیت ارضی کشور پیش می‌آید. کشوری که در سازمان ملل متحد به رسمیت شناخته شده باید به نوعی از تمامیت ارضی خود دفاع کند. روسیه حتی در اشغال شبه جزیره کریمه که بخشی از اوکراین است و در سازمان ملل به تمامیت ارضی اوکراین رای داده است اشغال کریمه خلاف حقوق بین‌الملل است. بنابراین تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی هنگامی که این کشور مستقل شد، قره باغ را نیز در بر می‌گرفت. نکته دیگر اینکه ارمنستان ۶ استان پیرامون قره باغ را نیز اشغال کرده است و برخی کشورها آن را اشغالگر می‌دانند. در همین راستا برخی کشورها از این دو کشور دعوت می‌کنند تا تنش زدایی را در پیش بگیرند؛ اما شاهد هستیم که مذاکرات هیچ نقشی در خاتمه دادن به این بحران ایفا نکرده است و مصالحه‌ای صورت نگرفته است.

**در این منازعه عامل اصلی تنش‌ها کدام کشور محسوب می‌شود؟**

هر یک از دو کشور یکدیگر را مقصر و عامل اصلی بر هم زدن آتش بس معرفی می کنند. هیچ وقت هم معین نشد که کدام طرف مقصر اصلی بوده است.

### آیا می توان راه حلی برای پایان این بحران متصور بود؟

شاید تنها راه حل ورود مستقیم شورای امنیت سازمان ملل متحد باشد. ما تجربه هایی مانند این وضعیت داشته ایم؛ مانند تیمور شرقی که خواستار جدایی از اندونزی بود. در سودان جنوبی نیز وضعیت مشابهی وجود داشت که به عنوان یک کشور مستقل شناسایی شده است. به طور کلی مساله بحران قره باغ نیز باید توسط سازمان های بین المللی حل و فصل شود.

### میانجی گری کشورهای همسایه نمی تواند در حل این بحران موثر واقع شود؟

به نظر نمی رسد که کشورهای پیرامون قادر به حل این معضل باشند. برای مثال ترکیه خود را وارد قضیه کرده و اتهاماتی نیز به این کشور وارد می شود. مثلا گفته می شود تروریست هایی از ادلب را به این منطقه اعزام کرده است. ضمن اینکه نباید فراموش کرد که نه ارمنستان و نه جمهوری آذربایجان در عرصه دیپلماسی از هیچکدام از خواسته خود کوتاه نیامده اند. در مصالحه طرفین باید با کوتاه آمدن در خواسته های خود به نقطه سربس برسند تا مصالحه و سازش صورت گیرد. مساله دیگر این است که جمهوری آذربایجان ارمنه قره باغ را به عنوان طرف سوم مذاکره نپذیرفته است. شاید اگر با آنها خارج از چارچوب ارمنستان مذاکره می کرد بهتر مساله را حل و فصل می کرد. آذربایجان در چندین مورد اعلام کرده که حاضر است وضعیت خودمختاری با امتیازات بیشتری نسبت به دوره شوروی به این منطقه بدهد، به شرطی که در قلمرو این کشور باشند که البته فعلا در حد پیشنهاد بوده است.

بحران قره باغ به مساله حادی تبدیل شده و در این بین انگشت اتهام به سمت روسیه می رود؛ چونکه گفته می شود مسکو به دنبال حفظ و تداوم تنش ها در این منطقه است. همانطور که گفته می شود استان خودمختار اوستیای جنوبی و جمهوری خودمختار ابخازیا (دو منطقه جدایی طلب در جمهوری گرجستان) مناطق تحت فشار روسیه به شمار می روند زیرا به این طریق امکان پیوستن به ناتو برای گرجستان مهیا نیست. در اصول ناتو نیز برای پیوستن اعضای جدید آمده است که کشور مورد نظر نباید درگیری با همسایگان خود داشته باشد و تمامیت ارضی داشته باشد. از همین رو آذربایجان و ارمنستان قادر به عضویت در ناتو نیستند.

برای جمع بندی در خصوص این قسمت سوال باید اشاره کنم که اگر بنا به میانجی گری بود، تا به حال باید نتیجه ای حاصل می شد. روسای جمهور دو کشور نیز چندین بار با هم دیدار داشته اند اما ثمری نداشته است. دو کشور تنها جنگ را راه حل می دانند. جنگ هم که رخ می دهد به صورت موقت ادامه پیدا می کند. البته این بار ممکن است با دخالت ترکیه وضعیت وخیم تر شود. همانطور که در خبرها داشتیم خمپاره ای به مرزهای ایران در استان آذربایجان شرقی نیز اصابت کرده است. در نتیجه تشدید درگیری ها موجب به خطر افتادن مرزهای جمهوری اسلامی ایران نیز می شود. حتی ممکن است سیل آوارگان را نیز در پی داشته باشد. مانند جنگ آغازین قره باغ در دهه ۸۰ و ۹۰ که باعث هجوم پناهندگان به سمت ایران شد. در بحبوحه این بحران ایران نیز به طرفین هشدارهای لازم را داده است. ما با هر دو کشور هم مرز هستیم و مرزهای درگیری این دو در نزدیکی مرزهای شمال غربی کشورمان است و تهران حق دارد که نگران امنیت ملی خود باشد.

### وقتی میانجی گری کشورها در این بین بی نتیجه بوده شورای امنیت با چه ابزاری می تواند این مساله را حل کند؟

بحران قره باغ باید به شورای امنیت سازمان ملل واگذار شود. ایران، روسیه و ترکیه در این بحران همسایگان اصلی هستند اما باید موضوع را به شورای امنیت بسپارند و از طریق تشکیل یک کمیته دائمی مساله را به پیش ببرند. همانطور که شاهد بودیم گروه مینسک در این قضیه قادر به انجام کاری نبود. روسیه که خود به نوعی نقش آفرین است، آمریکا که منافع ایران را در نظر ندارد و از همین رو بی طرفی معنایی ندارد. کشور بعدی فرانسه است که ممکن است روی ارمنه حساسیت داشته باشد چرا که ارمنه زیادی در فرانسه زندگی می کنند. بنابراین تنها راه حل تشکیل یک گروه بی طرف برای حل این قضیه است. هر چه این بحران تداوم پیدا کند و کهنه تر شود وضعیتی مانند کشمیر را پدید می آورد. ضمن اینکه مسائل کهنه دیگری مانند موضوع فلسطین وجود دارند. باید پرسید که شورای امنیت بالاخره چه تصمیمی خواهد گرفت؟! نمی توان چشم اندازی برای حل این بحران از طریق ابتکارات منطقه ای متصور بود. این مساله باید به سمت تشکیلاتی هدایت شود. برای مثال در ابتکارات منطقه ای وقتی ترکیه پیشنهادی می دهد خود را در اولویت قرار می دهد و در مورد روسیه نیز به همین شکل است.

### آیا ایران در این قضیه یک کشور بی طرف بوده است و یا اینکه مواضع نزدیک به یکی از دو کشور درگیر در این بحران داشته است؟

ایران همیشه نقش بی طرفی داشته است. البته اتهاماتی از سوی آذربایجان به ایران وارد می شود که به ارمنستان کمک کرده است که ادعای بی ربطی بوده و هیچ سندی در این خصوص وجود ندارد. مستنداتی که در این خصوص می تواند وجود داشته باشد ارسال اسلحه و یا دخالت در بحران است که هیچ مدرکی وجود ندارد و تنها در راستای فرافکنی است تا ایران را مقصر بدانند. از آنجایی که ایران با هر دو کشور همسایه بوده به طور مستقیم وارد تنش های طرفین نمی شود. معتقدم که ایران نباید در این قضیه نقش میانجی گر را ایفا کند؛ اگر بنا به میانجی گری بود باید به نفع هر دو انجام می شد تا بازی برد- بردی را رقم می زد. اما این در حالی است که ارمنستان حاضر به عقب نشینی از سرزمین های اشغال شده نیست. حتی اگر بر اساس قطعنامه های شورای امنیت کشوری مقصر شناخته شود ایران نمی تواند اعلام موضع کند. در مورد کشورهای دیگر همسایه نیز به استثنای ترکیه اینگونه نیست که از کشوری به طور مستقیم حمایت کنند چونکه سیاست خارجی آنها باعث می شود که در

این مسیر گام بردارند.

**یعنی معتقدید که طرح ایران نیز برای حل این بحران نمی تواند طرفین را به سمت تنش زدایی سوق دهد؟**

معتقدم که ایران باید اجازه دهد طرفین به راه حلی در این زمینه دست یابند. ممکن است طرح ایران با موافقت این دو کشور همراه نشود. شرایط و تحولات باید به گونه ای به پیش رود که دو طرف بتوانند یک میانجی یا یک قاضی را با توافق انتخاب کنند که در این صورت می تواند مفیدتر و پرتثمرتر باشد.

**در این بحران شاهد جانبداری های ترکیه از جمهوری آذربایجان هستیم آیا حمایت های این آنکارا نمی تواند در این بین به افزایش بحران دامن بزند؟ مثلا ترکیه حمایت های تسلیحاتی را در دستور کار داشته باشد؟**

بدیهی است در صورت کمک ترکیه به آذربایجان، روسیه نیز به ارمنستان کمک خواهد کرد و در این صورت تنش ها بین مسکو و آنکارا نیز آغاز می شود. اما نکته اینجاست که ترکیه فعلا در جبهه روسیه قرار دارد و دو کشور روابط نزدیکی با هم دارند. اما باز هم دلیل نمی شود که روسیه در صورت کمک ترکیه دست به کاری نزند. همانطور که اشاره کردم روسیه نسبت به ارمنستان تعهد دارد و در صورت عدم حمایت، پیمان امنیت دسته جمعی زیر سوال می رود. البته در پیمان شانگهای شاهد بودیم که هیچ اتفاقی رخ نداد. وقتی روسیه دو منطقه آبخازیا و اوستیای جنوبی گرجستان را اشغال کرد هیچ یک از اعضای پیمان شانگهای از اقدام روسیه حمایت نکردند. این مساله نشان می دهد که چنین سازمان هایی علی رغم اساسنامه خود می توانند غیرموثر ظاهر شوند.

**آمریکا نیز به این قضیه ورود پیدا کرده و دونالد ترامپ رئیس جمهوری این کشور نیز اعلام کرده که کشورش برنامه هایی را برای حل بحران دارد نظر شما چیست؟**

آمریکا جز گروه مینسک محسوب می شود و ممکن است در این بین سنگ اندازی هایی داشته باشد. مگر اینکه تصمیم بر این باشد که شورای امنیت مسئولیت بحران قره باغ را از دست گروه مینسک خارج سازد و ساختار دیگری را برای آن تعریف کند. این در حالی است که گروه مینسک ناموفق بوده به طوری که دو کشور ارمنستان و آذربایجان نیز به آن اعتراض دارند.

**ناتو چطور؟ آیا به قضیه ورود پیدا خواهد کرد؟**

هر گونه ورود ناتو به قضیه یعنی ورود به حیاط خلوت روسیه و واکنش این کشور. بنابراین امکان ندارد که ناتو در این زمینه اقدامی انجام دهد؛ حتی در میانجی گری. ارمنستان عضوی از پیمان امنیت دسته جمعی به شمار می رود و بدیهی است که این فرمول هم جواب نخواهد داد.

**پس با این اوصاف نمی توان چشم اندازی برای حل این بحران حتی در بلندمدت نیز متصور بود؟**

مگر اینکه ساختار رسیدگی به مناقشه قره باغ تغییر یابد. در سالهای قبل مطرح شد که روسیه پیشنهادی مطرح کرده بود و آن این بود که اگر جمهوری آذربایجان به اتحادیه اقتصادی اوراسیا بپیوندند، ارمنستان ۶ منطقه پیرامونی قره باغ را که در تصرف دارد آزاد خواهد کرد. موضوعی که با واکنش آذربایجان روبرو شد و اعلام کرد که خواستار بازگشت تمام مناطق قره باغ است. موضوع از آنجا پیچیده تر می شود که ارامنه اراضی پیرامون را نیز تحت تصرف خود در آورده اند. قره باغ محدوده ای در داخل یک کشور است که توسط مرزهای سیاسی آن محدود شده است. ارامنه مناطق مسلمان نشین که حائل بین قره باغ و ارمنستان بوده را نیز اشغال کرده اند که موجب پیوند زمینی قره باغ و ارمنستان شد. شاید اگر در گذشته چنین اتفاقی رخ نمی داد مساله قره باغ زودتر حل می شد؛ چرا که در این صورت عقبه ای وجود نداشت. از طرفی در خبرها آمده است که تعداد زیادی از نیروهای ارمنستان به سمت میدان نبرد عازم می شوند که بر پیچیدگی های قضیه می افزاید. این کشور مناطق تحت تصرف زیادی را در اختیار دارد که نگهداری آن نیز هزینه های زیادی را بر این کشور متحمل می کند اما این موضوع را انکار نمی کند که این کشور دست بالا را در مناطق اشغال شده دارد. آنها به لحاظ استراتژیک به این مناطق کاملا مسلط هستند و در مناطق کوهستانی قره باغ جمهوری خودخوانده یعنی جمهوری آرتساخ اعلام کرده است.